

عطر سبب

سلام بر جسمهای عریان
سلام بر خونهای جاری
سلام بر بدنهای قطعه قطعه
سلام بر کهکشانهایی که بر فراز نیزه‌ها
می‌درخشیدند
و سلام بر زنان بی‌پناه خیمه‌ها...
سلام بر تو، بر نیاکان پاکت، فرزندان شهیدت،
و یارانت
و سلام بر تو و فرشتگانی که سر بر آستان
می‌سایند.

■ ■ ■

سلام بر مظلوم بی‌یاور
سلام بر آنکس که جبرئیل به او افتخار کرده
و میکائیل با او در گهواره به گفتگو نشسته
است.
سلام بر آنکس که حرمتش شکسته و خورش
به ناحق ریخته شد.
سلام بر آنکس که او را با جاری جراحتهایش
غسل دادند.

سلام بر جرعه نوش جام نیزه‌ها
سلام بر مظلومی‌اش و خون مباح شده‌اش
سلام بر او که سرش را از قفا جدا ساختند
سلام بر او که بدنش را «بنی‌اسد» دفن کردند
سلام بر او که شاه‌رگ حیاتش تا ابدیت
جاری شد

سلام بر بی‌یاوری‌اش
سلام بر محاسن به خون خضاب شده‌اش و
گونه‌های خاک آلوده‌اش

سلام بر بدنی که پیراهنش را به غارت بردند
سلام بر پیکرهای عریان که گرگهای خون
آشام آنها را دریدند و وحشیان بر جسد آن
عبور کردند.

سلام بر نیزه‌های خورشید
و خورشیدهای نیزه‌آلود...

سلام بر خون
سلام بر خون حسین
سلام بر او که خاک آسمانی درگاهش شفای
دلهاست.
سلام بر او که تا دعا از گلدسته‌های اجابتش
برنخیزد، مستجاب نمی‌شود.
سلام بر سلاله پاکان
سلام بر فرزند آفتاب
سلام بر پاره تن زهرا و خدیجه
سلام بر جانانه بهشت
سلام بر طراوت زمزم
و سلام بر زاده «صفا»

■ ■

سلام بر آنکه پیکرش از خون آغشته
می‌گردد

سلام بر غریب‌ترین مرد
سلام بر شهیدترین شهید
سلام بر کشته مظلوم
سلام بر کربلا
سلام بر او که ملائک تا ابد، بارانی وجود
اویند.

سلام بر نسل او که همه پاکند
سلام بر گریبانهای دریده
سلام بر لبان پژمرده
سلام بر جانهای بلا دیده
سلام بر ارواح ربوده شده

سلام بر تو ای مولای من!

سلام بر تو و بر بارگاهت، که فرشتگان طواف گنبد
یاقوتی تو را آرزو دارند و زیارتنامه عشق تو
عاشقانه‌ترین ادبیات هستی است.
بسوی تو آمده‌ام.

و قنوت نیازم سرشار از امید به رستگاری است
به حرمت ولایت تو ایمان دارم
نردبان ملکوت را با محبت تو در می‌نوردم
و از دشمنان تو بی‌زارم.

■

سلام بر کسی که جریحه‌دار خاطرات توست
و اشکش تا بی‌کرانه افق جاری است
سلام بر عزاداران مصیبت تو
که سرگشته و حیرانند...
سلام بر کسی که اگر با تو بود،
جان می‌داد

خود را به چنگال مرگ می‌انداخت تا پیکر خورشیدی‌ات
از هجوم نیزه‌ها در امان بماند
سلام بر کسی که جاننش را فدای تو کرد
و خانواده‌اش را پیش مرگ اهل بیت علیهم‌السلام طهارت تو ساخت

■ ■

اگر؛

روزگاران حضور مرا به تأخیر انداخت
و تقدیر مرا از یاری تو دور ساخت
و نبودم
تا در رکابت خونین بال تا افلاک پرواز کنم
اما؛

هر صبح و شام

برای تو

به جای اشک

خون می‌بارم

آنقدر می‌سوزم و می‌سوزم و می‌سوزم

تا در مصیبت جانکاه تو

جان دهم...

■ ■ ■

برق ذوالفقارت

فریاد حسینی است

و ضربات تنهاترین مرد را

در حافظه نخلهای کوفه تداعی می‌کرد

دامهای پلید مرگ

آخرین مکرهای خویش را

بر راهت می‌گسترانند

و با شراره‌ی شرارتشان

به ستیز با تو برخاسته‌اند.

کودکان بی‌رمقت

لبهای سله‌بسته‌ات

و تشنگی‌ات

آری...

آب را بر تو بسته

و جنگ را بر کاروان تو تحمیل کرده بودند

آه...

نیزه‌بارانت کردند

سنگ‌های خشم پلید خود را به سویت پرتاب نمودند

و با دستان بلا خیزشان

دوستانت را کشتند

و راحله غریبت را غارت کردند

نه حرمتی،

نه حقی،

نه احترامی،

اما تو همچنان در گرماگرم نبرد

دل در گرو میدان

به پیش می‌تاختی

بنام صبرت را ای امام صبر

آنقدر صبوری که

فرشتگان از صبر تو،

از استقامت تو

و از نستوهی نگاه تو

شگفت‌زده شده‌اند

پس آنگاه دشمنان

گرداگرد تو حلقه زدند

و با زخمهای فراوان

ترا

ای خورشید خون‌آلود

در غروب عاشقانه، جاودانه کردند

دیگر برای تو یآوری نمانده بود

ای صبورترین مرد

تو می‌جنگیدی

و از زنان حرم و فرزندانشان دفاع
می کردی
تا اینکه
ذوالجناح دیگر حضور گرم تو را
بر پشت خود احساس نمی کرد
آسمان پیکرت
ستاره باران زخم شده بود
سمهای کوفیان
پیکر خورشیدی ات را
لگدکوب می کرد.
عرق مرگ از پیشانی بلندت
جاری بود
و تو هنوز گوشه چشمی
به خیام آل الله داشتی...
ذوالجناح
شیون کنان
اشکریزان
حیران
و سرگردان
به سوی خیمه ها می شتابد
آنگاه
چون بانوان خورشیدی
ذوالجناح را بلازده می بینند،
از پس خیمه ها سر برمی آورند
و گونه های آفتابی خویش را با
سیلی کبود می کنند
آنان نام تو را
ای غریب ترین شهید
در گوش بی غیرت سپاهیان کفر
فریاد می کنند
به سوی قتلگاه
در حالیکه «شمر»
بر سینه آسمانی تو نشسته است
و خنجر تشنه اش را
از خنجر خورشید
سیراب می کند
با دست سیاهش
به محاسن از خون خضاب شده آفتاب
چنگ می اندازد

و سر از بدن سلاله نور جدا می سازد
این جاست
که نفسهای آفتاب به شماره می افتد
و دیگر
صدای ضربان قلب پاک خورشید
نواز شگر هستی نیست
و آخرین نگاه
در لابلای مژه های خونین امام محو
می گردد
سر مبارک بر بالای نیزه
می درخشید
و اهل حرم
چون بردگان، شهر به شهر بند
اسارت را به دوش می کشیدند
داغ نیمروز
چهره های کودکان را می سوزاند
وای بر گنهکاران و فاسقان
که به کشتن تو
اسلام را
نماز را
روزه را
سنتهای الهی را
احکام دین را
متروک ساختند
وای بر آنان که با کشتن تو
آیه های استوار ایمان را ویران
و حیوان صفت
تجاوز و ظلم را پیشه خود کردند
آه...
شهادت تو
نمادی از مظلومیت آل الله است
خون تو
به ناحق ریخته شد
ولی راه تو
برای همیشه بر تارک تاریخ جاودانه
ماند
خبر شهادت تو را... آه...
چشمهای بارانی بانوی صبر به
رسول خدا داد که:

ای رسول خدا
فرزندان و جوانانت کشته شدند
و حریم حرمت شکسته شد
بندهای اسارت دستان آزادترین
مردمان را
به بند کشیدند
ای شهیدترین شهید
چشمان رسول ﷺ خدا در عزایت
بارید
و دردهای جانکاه مادرت زهرا
تبلور یافت
و غربت علی
دوباره تداعی شد
ملکوتیان عزاداری می کردند
و فرشتگان سیاه پوش
عرش را
به ماتمکده ای تبدیل کرده بودند
پریان بهشتی در عزای تو
گونه هایشان را می خراشیدند
و ساکنان بهشت
سیاه پوش ماتم بودند
خدایا!
به عظمت این مکان
بر خاندان آفتاب درود فرست
و ما را ریزه خوار سفره مودت آنان
قرار ده
خدایا!
تنها آرزوی ما رسیدن به حلاوت
شفاعت حسین
است
این کرامت را از ما دریغ مدار
خدایا!
دستان توسل خویش را به دامان
توکل تو می آویزیم
ای کریم ترا به حق رسولت
به حق علی
به حق حسن
و به حق حسین
جاودانه شهید
تاریخ
و به حق چهارده حبیل آسمانی
قسمت می دهیم

که بر خاندان طه و نوادگان یاسین
درود فرست
و ما را از رهایافتگان
رستگاران
و شادمانان محبت آنان قرار ده
خدایا!
نام تمام محبان را بر جریده حبّ
ولایت حک کن
دستانمان را به قنوت‌های شایستگان
برسان
و در برابر ستمکاران یاریمان کن،
که به پاخیزیم
مهربانترین!
عروج چشممان را به سوی ملکوت
نگاه‌های عترت نبوی برسان
و ما را با شهدا
پاکان
راستگویان
و هر آنکه از رحمت، مست فیض
می‌شود
محشور کن
خدایا!
تو را به پاکی نگاه‌های امین پیامبرت
و به این قبر شریف
که در سایه‌سار آن امام معصوم
مقتول مظلوم، آرامیده است
سوگند می‌دهیم
چشم‌هایی را که در تب عزای

حسین علیه السلام گریسته است
نسوزانی
خدایا!
ما را با عطای خویش راضی گردان
با دست کرامت پیشانی نیازمان را
نوازش ده
و از انتقام خود دورمان بدار
خدایا!
عاشقان را از خطا مصون نما
و راستی و درستی را
در گفتار
و در کردار همه
جاری ساز
و عاقبت را در این قرار ده
که همیشه حسینی بمانیم
خدایا!
خالصانه‌ترین سلام‌هایمان را به
محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت
آفتابی علیهم السلام عطا فرما
توبه‌ها را بپذیر
اشکها را رحمت باران کن
لغزشها را بیوشان
و ما را از صالحان قرار ده
خدایا!
در این بارگاه با عظمت
هیچ گناهی را باقی مگذار
غم‌ها را برطرف ساز
به رزق و روزی‌ها وسعت ببخش

هر فساد را اصلاح کن
آرزوها را برآورده ساز
دعاها را اجابت کن
و تنگناها را گشایش ببخش...
خدایا!
من از تو
دانشی مفید
قلبی پاک
یقینی شفافبخش
عملی وارسته
صبری جمیل
و پاداشی فراوان می‌خواهم
خدایا!
روزی‌ام کن
بر نعمت‌های سجده شکر به جا
آورم
و پنجره‌های احسانت را بر رویم
بگشا
خدایا!
مرا از شر بدکاران درامان بدار
گناهانم را بیامرز
و از آتش دوزخ پناهم ده
و در منزلگاه بهشت واردم ساز
و مرا
و همه بندگان را بیامرز
ای مهربانترین مهربانان